



بسم الله الرحمن الرحيم

## تضاد مواضع غربی در رابطه با نظام ولایت مطلقه

میگویند که نمرود بعد از تکبر و عظمت طلبی زیاده از حد، دچار مصیبت بزرگی شد، بدینصورت که پشه ای از راه بینی وارد دماغش گردید، و این پشه با تحرک خود، جناب نمرود را دچار عذاب شدیدی میکرد، و تنها درمان این درد، ساکت کردن پشه بود، و آنهم فقط بوسیله زدن بر سر نمرود میسر می شد. با این وضع، جناب نمرود یا میبایست درد تحرک پشه را تحمل کند یا زدن بر سر و کله اش را، وضعی که منتهی به هلاکت نمرود گردید. این وضع امروزه دقیقاً برای دول ناتویی غرب در رابطه با نظام ولایت مطلقه خمینی تکرار شده است، با این تفاوت که این بار بجای پشه، نظام ولایت مطلقه قرار گرفته است. بدین صورت که: نظام ولایت مطلقه از طرفی برای غرب و انحصار طلبی غربی، بنابر اینکه دارای مبانی توسعه طلبانه و فوق مرزی و شیعی گرایانه بوده و در پی تشکیل امپراتوری شیعی است، برای غرب خطر آفرین میباشد، و بنابر منطق غربی، این نظام باید سرنگون شود. اما از طرف دیگر، دول غربی، «تفرق مسلمین و امت اسلامی» را اصل سیاست خارجی خود قرار داده اند، و نظام ولایت مطلقه خمینی و شیعی گری صفوی، عالیترین امید دول غربی برای این میدان و نزاع مسلمین است، و در حقیقت این پدیده شوم، خنجری زهر آگین در پشت مسلمین است (بگذریم از وحشت غرب نسبت به سقوط و برکناری نظام ولایت مطلقه و رسیدن مردم ایران به استقلال و آزادی). بنابر این واقعیات، آمریکا و دول استعمارگر ناتویی در حذف و نابودی این نظام استبدادی و فرقه ای، دچار تردد و دو راهگی عمیقی گشته اند، تردد و دو راهگی که ناشی از خطر نظام ولایت مطلقه و نیز شیعه گری صفوی است. بله اگر این خنجر تفرقه انداز در پشت مسلمین قرار گرفته و شرق و غرب اسلامی را شق و دو نیم کرده است، و این مطلوب غرب میباشد، اما همین خنجر برای

سلطه غرب ، میتواند به خطر بزرگی تبدیل شود . و مسئله جدی تر شدن هلال شیعی و احتمال مسلح شدن نظام ولایت مطلقه به سلاحهای هسته ای ، این خطر را قوی تر و ملموس تر کرده است .

دول استعماری غرب ، این وضع را در مورد کمونیسم هم تجربه کرده اند ، خصوصاً زمانیکه مسئله هیتلر و فاشیسم آلمانی پیش آمد ، که سر انجام غرب ناچار شد برای مقابله با خطر هیتلر موقتاً با کمونیستها و استالین متحد شود . البته بدون تردید ، مطلوب دول ناتوی غرب ، به مهار در آوردن نظام ولایت مطلقه ، و به کمک آن ، به تصرف در آوردن مردمان شیعه است . در چنین صورتی ، در همان حال که غرب از خطر نظام ولایت مطلقه خلاص میشود ، بعد خنجر بودنش را که علیه مسلمین است ، تقویت خواهد کرد و آن را در راه سرکوب حرکات اسلامی بکار خواهد گرفت ، همانطور که حالا در عراق و افغانستان چنین شده است ، و در این بلاد ، به فرمان نظام ولایت مطلقه ، شیعیان ولایت فقیه‌ی ، تحت امر و سازماندهی دول غربی قرار گرفته و همراه اشغالگران غربی و ناتوی علیه مسلمانان مقاوم وارد جنگ شده اند .

لازم به ذکر است که این امتیازات که از طرف نظام ولایت مطلقه به دول ناتوی داده میشود ، جزئی و اولیه بحساب می‌آیند ، و اگر این نظام توسط دول ناتوی مهار شود ، وضع بکلی دگرگون شده و متحد اساسی آنها خواهد گشت . و جالب اینکه حالا نظام ولایت مطلقه برای کسب رضایت دول غربی و اثبات این مسئله که نظام ولایت مطلقه و شیعیانش جزو بقیه مسلمین نیستند ، موج شیعیگری بسیار خرافی و شرک آمیز و ضد اسلامی را به راه انداخته است ، و حتی می خواهد اثبات کند که حساب نظام ولایت مطلقه و شیعیانش نه تنها از حساب بقیه مسلمین جداست ، بلکه حتی به نفی و انکار آنها وسیعاً تظاهر می کند ، و لعنت و تکفیر گسترده اهل سنت و خلفای راشده و نیز برپایی هر چه با شکوهتر مناسبات و اعیاد فرقه ای ، مصداق این تظاهر است .

اما مسئله اساسی در این میدان اینست که دول غربی ، نظام ولایت مطلقه مسلح و مهار نشده را ابداً تحمل نخواهند کرد ، و در نتیجه یا باید این نظام تسلیم شود و با دول ناتوی غرب «سازش نهایی» نماید ، و یا اینکه درگیری غرب با نظام ولایت مطلقه حتمی خواهد شد ، چیزی که نه غرب خواستار آنست و نه نظام ولایت مطلقه می خواهد آن را حتی بشنود ، زیرا چنین برخوردی ، اولاً به سقوط نظام استبدادی ولایت مطلقه منجر میشود ، ثانیاً احتمال اتحاد و نزدیکی شیعیان با

سایر مسلمین و اتخاذ سیاست مشترک در نفی و طرد استعمار غربی بسیار تقویت میشود. چیزی که هم غربیان استعماری و هم نظام ولایت مطلقه آنرا خوب درک میکنند، و همین است که غرب، اصل را مهار و کشاندن نظام ولایت مطلقه بسوی تسلیم نهایی قرار داده، و نظام ولایت مطلقه هم، سیاست همکاری و امتیازدهی پیش گرفته است، و هر دو طرف از وقوع جنگی که ممکن است استبداد و استعمار را مشترکاً ساقط نماید، مضطرب و نگرانند.

حال چاره این دو جبهه استبدادی و استعماری چیست؟ و بالاخره کار این ظالمان ستم پیشه به کجا کشیده میشود و چه حيله‌ای در پیش میگیرند؟ جواب بدین سوال سخت است، اما هم دول غربی و هم نظام ولایت مطلقه نمیتوانند در این دو راهی تا آخر سر گردان بمانند، و بالاخره و بناچار این دو نیروی ضد بشری، تعیین تکلیف خواهند کرد. اما آنچه مسلم است اینست که دول غربی و آمریکا هیچ نظام قدرتمند و مسلح و فرامرزی و من جمله نظام ولایت مطلقه را تحمل نخواهند کرد، زیرا در چنین صورتی، سلطه جهانی آنها ضربه خواهد خورد، و با تعدد ظهور قدرتهای غیر غربی، نظام سیاسی جهان، بکلی دگرگون میشود و غرب از کرسی سیادت جهانی پایین انداخته میشود. اینست که نظام ولایت مطلقه یا باید تسلیم غرب شود و در مهار و اختیار آن قرار گیرد و یا باید راه مقابله با دول غربی را اختیار نماید، که در این صورت، مرحله زد و بند پایان می یابد و مرحله زد و خورد آغاز میشود. اما باید دانست که علیرغم هیاهو و لفاظی‌های تند و تیز، مواضع اساسی نظام ولایت مطلقه، بیانگر انتخاب راه زد و خورد با غرب نیست، و این نظام استبدادی و فرقه‌ای می خواهد در نزدیکی تسلیم و سازش نهایی با غرب (سیاست همکاری و امتیازدهی) اردو بزند و در کنار همکاری با دول ناتویی به موجودیت استبدادی و فرقه‌ای خود ادامه دهد، چیزی که بسیار مشکل است، اما ممکن است در این اوضاع نامساعد که آمریکا و غرب در عراق و افغانستان دچار مشکلات اساسی شده و در آنجا گیر کرده‌اند، تا مدتی؛ این سیاست بکار آید و دول غربی آن را تحمل کنند. [در این رابطه، دو مقاله ذیل هم میتوانند روشنگر باشند.](#)

## [مقاله ۲](#)

## [مقاله ۱](#)

سازمان موحدین آزادیخواه ایران  
۱۲ رمضان ۱۴۲۶ - ۲۳ مهر ۱۳۸۴